

سیاست‌های تجاری تیمور و پیامدهای آن*

ولی دین پرست^۱

چکیده

توسعه تجارت در دوره تیمور نقش زیادی در رونق شهرها و اقتصاد جامعه ایران داشته است. اینکه چه عواملی سبب شد از این دوره تجارت داخلی و خارجی رونق بیشتری پیدا کند و پیامدهای حاصل از آن چه بوده است، موضوع بحث این مقاله است. تیمور در دوره حکومت خود در تجارت داخلی در طول راه‌ها امنیت ایجاد و برای آسایش کاروان‌ها، رباط‌ها و کاروانسراهایی احداث کرد؛ برای رونق تجارت شهرها، به جلب تجار خارجی پرداخت؛ نظام ارتاق را که از دوره ایلخانان در ایران متداول بود، در این دوره نیز رواج داد. تیمور و جانشینانش به اخذ تمغا از تجار و پیشه‌وران پرداختند. در گذرگاه‌ها، اقدام به اخذ عوارض گمرکی از بازرگانان نمود و در تجارت خارجی، با دول همجوار و غرب مناسبات تجاری برقرار کرد. برای احیای تجارت جاده ابریشم در مسیر ایران که از زمان سقوط ایلخانان دچار رکود شده بود، مسیر تجارت شمال دریای خزر را که از خوارزم به سرای، تانا و کافا در دشت قپچاق امتداد داشت، مسدود کرد و مسیر تجارت را به جنوب دریای خزر تغییر داد. پیامد این سیاست‌ها، رونق تجارت شهرهایی نظیر تبریز، سلطانیه، سمرقند، هرات و هرمز بوده است. برخی از تجار ایرانی تولیدات داخلی را به بازارهای بورس منتقل کردند. حکومت تیموریان از طریق اخذ عوارض از کاروان‌های تجاری و تمغا عواید زیادی به دست آورد. تأثیر رونق تجارت در بخش کشاورزی و بازرگانی شهری نیز قابل توجه بوده است. کلید واژگان: تجار، تیمور، عواید تجاری، تجارت داخلی، تجارت خارجی

Tamerlane Trade Policy and its Consequences

Vali Dinparast²

Abstract

Business development in Tamerlane Era has played a significant role in the urban development and the booming economy of Iran. The present paper, thus, discusses the factors that have contributed to such a development of domestic and foreign trade as well as its consequences. During his rule, Tamerlane took safety and security measures along the roads, and established Caravansaries and Rebats for caravans' comfort. In order to develop the cities, he also attracted the foreign trade. Ortaq system, which was common in the Ilkhanids Era, was once more popularized in this era. Tamerlane and his successors took Tamqa from the Merchants and Artisans and got duties at Gateways. In foreign trade, Tamerlane started relations with the nearby as well as western countries. To revive the Silk Road trade in Iran, which had been brought to a standstill since the fall of the Ilkhanids, he blocked the trade route to the north of the Caspian Sea, which ran through Khwarazm towards Tana and Kafa in Gipchagh plain, and instead redirected it to the south of the Caspian Sea. The result of such policies has included the development of urban cities such as Tabriz, Soltanieh, Samarkand, Herat and Hormuz. Some Iranian businessmen transferred the Iranian domestic production to Bursa, and Timurids government gained much more benefits through duties taken from the trade Caravans. Besides, effect of such developments in terms of agriculture and urban trade has also been considerable. Keywords: Businessmen, Tamerlane, Trade Benefits, Local Trade, Foreign Trade.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز * تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۹

2. Assistant professor in Department of History, University of Tabriz. Email: vali_dinparast@yahoo.com

مقدمه

رونق تجارت داخلی و خارجی ایران در قرن نهم هجری به دلیل سیاست‌های حمایتی فرمانروایان تیموری و ترکمن رخ داد. با رشد تجارت چهار بخش عمده جامعه از آن بهره‌مند شدند. بخش تولیدکنندگان محصولات کشاورزی صادراتی از جمله ابریشم خام، بخش صنایع دستی شهری تولیدکننده پارچه‌های ابریشمی، تجار که محصولات تولیدی پیشه‌وران را به بازارهای داخلی و یا خارجی صادر می‌کردند و در نهایت حکومت‌ها که از طریق اخذ مالیات از کشاورزان، پیشه‌وران، تجار و کاروان‌های تجاری درآمد زیادی به دست می‌آورند.

منابع دوره تیموری و ترکمن کمتر به موضوع تجارت در این دوره پرداخته‌اند، اما نشانه‌هایی در برخی از منابع خارجی و آثار مربوط به تجارت وجود دارد که بر اساس آن، می‌توان دریافت که قرن نهم هجری از دوره‌های شکوفا در رونق تجارت و صنایع دستی بوده است. در پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص تجارت دوره تیموریان تنها در تاریخ ایران دوره تیموریان پژوهش دانشگاه کمبریج اشاره کوتاهی به این موضوع شده است، اما در مورد سیاست‌های تیمور در زمینه رونق تجارت و پیامدهای داخلی و خارجی این سیاست‌ها پژوهشی صورت نگرفته است. در این مقاله تلاش می‌شود اقداماتی که تیمور در زمینه تجارت انجام داد از جمله در طول راه‌های تجاری امنیت ایجاد نمود و برای رفاه حال کاروان‌ها رباط و کاروانسرا احداث کرد و به تجارت خارجی اهمیت بیشتری داد، مورد بررسی قرار گیرد. سیاست‌های حمایتی از تجارت موجب رونق تجارت داخلی و خارجی شد و پیامد سیاست‌های تجاری او بیشتر پس از مرگش نمود پیدا کرد که مهم‌ترین آن رونق تجاری شهرها و افزایش عواید حکومتی از تجارت بوده است. هر چند هدف تیمور از توجه به تجارت در مرحله اول به منظور کسب درآمد بیشتر برای دولت خویش بود و در این راه گاهی به اعمال زور و فشار در اخذ مالیات‌های مختلف از پیشه‌وران و تجار اقدام می‌نمود و یا در کشورگشایی‌های اولیه خود برخی از شهرها را ویران ساخت، اما با توجه به اینکه او نیز همانند چنگیزخان به اهمیت بازرگانی و رونق تجارت بین سرزمین‌های مختلف پی برده بود، تلاش کرد پس از فتح سرزمین‌ها از تجار و بازرگانان در سطح داخلی و خارجی حمایت کند. به همین خاطر، از همان ابتدا به شکوفایی اقتصادی سمرقند توجه خاصی کرد؛ و بازرگانان و صنعتگران را در این شهر جمع نمود. در عین حال سایر شهرها مانند سلطانیه، تبریز و هرمز نیز رونق تجاری گذشته خود را باز یافتند.

اوضاع تجاری ایران قبل از تشکیل حکومت تیموریان

در قرن هفتم و هشتم هجری سواحل دریای خزر شامل دیلم و گیلان، مازندران و شروان از مناطق مهم تجاری محسوب می‌شده است. ابریشم محصول عمده تولیدی گیلان بوده است. به نوشته زکریای قزوینی گیلان مابین قزوین و بحر خزر قرار گرفته، مردان ایشان ابریشم بسیار تولید و زنان ایشان برنج کاری می‌کنند. چارقد، عمامه و سایر پارچه‌های ابریشمی از تولیدات مهم آنان است. با توجه به تولید ابریشم فراوان در آن ولایت، تجار این محصول را به روم و فرنگ صادر می‌کنند.^۳ در سه فرسنگی استرآباد جزیره‌ای پرجمعیت به نام «نیم‌مردان» بوده که کشتی‌ها از اروس، گیلان و مازندران به آنجا می‌آمدند و محصولات بسیار می‌آوردند.^۴ در جرجانیه، عاج و آبنوس، ابریشم و گلابتون تولید می‌شد. تجار این محصولات را به سرزمین‌های دیگر برده و به قیمت اعلی می‌فروختند.^۵

گیلان در سال ۷۰۶ قمری به دست الجایتو تصرف و به نوشته حمدالله مستوفی «خراج ابریشم بر آنان مقرر گردانید.»^۶ در آن زمان بخشی از محصولات تجاری این منطقه به وسیله کشتی به بنادر شمالی دریای خزر و از آنجا به اروپا منتقل می‌شد. مارکوپولو می‌نویسد: «دریای باکو محاط به کوه‌های چند است. رودهای ولگا، جیحون، کورا، ارس و چند رود دیگر در آن می‌ریزند و دریانوردان ژن (جنوا) اخیراً شروع به کشتی‌رانی در آن نموده و از آنجا ابریشم معروف گیلان را صادر می‌کنند.»^۷ از اواخر قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) تجار جنوا و ونیز در بنادر کافا و تانا واقع در شبه جزیره کریمه تجارت‌خانه تأسیس و اقدام به خرید پوست، چرم، گوشت و ماهی و غلات از طریق ولگا از روس‌ها و ابریشم چین از طریق صحرای گبی، بیش بالغ، المالع، اترار، خوارزم، سرای و هشرخان و انتقال آنها از راه دریای سیاه با اروپا می‌کردند.^۸ این مسیر شاخه شمالی جاده موسوم به جاده ابریشم است که در تحقیقات جدید به جاده پوست (تجارت پوست سنجاب، قاقم و سمور) معروف است.^۹

۳. زکریاء بن محمد بن محمود قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه و اضافات جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میر هاشم محدث (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۳)، ص ۴۶۶.

۴. حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، به اهتمام محمد دبیرسیاقی (تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶)، ص ۶۰۴.

۵. قزوینی، ص ۴۶۶.

۶. مستوفی، ص ۶۰۷.

۷. مارکوپولو، سفرنامه، ترجمه سید منصور سجادی (تهران: نشر گویش، ۱۳۶۳)، ص ۲۵.

۸. عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۵)، ص ۵۶۹ - ۵۶۸.

۹. همان، ص ۵۶۸؛ سید ابوالفضل رضوی، «راه‌های تجاری در عهد ایلخانان»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (شماره ۱۳۷)، مهر

در مسیر جنوب دریای خزر، شاخه جنوبی جاده ابریشم جریان داشت. آغاز این جاده از ترابوزان در ساحل دریای سیاه، بندر ایاس در غرب خلیج اسکندرون و سایر شهرها و بنادر آناتولی بوده است. شاخه‌های مختلف این راه، به تبریز و سلطانیه در ایران می‌پیوست.^{۱۰} بندر لایاسوس (ایاس) در ساحل دریای مدیترانه از جمله بنادر مهم بازرگانی و محل رفت و آمد بازرگانان کشورهای مختلف از جمله ونیز و جنوا بوده است.^{۱۱} اطلاعات مفیدی که حمدالله مستوفی از راه‌های داخلی ایران ارائه می‌دهد، به خوبی مسیر تجارت شاخه جنوبی جاده ابریشم را مشخص می‌کند. راه تبریز به ارزروم که از طریق مرند، خوی به ارجیش، ملازگرد و ارزروم می‌رسید و از آنجا به ارزنجان، آق شهر و سیواس می‌رفت و در آنجا دو شاخه شده یک راه در مسیر جنوب به سوی بندر ایاس در ارمنستان صغیر^{۱۲} و راهی دیگر در مسیر شمال به طرابوزان منتهی می‌شد.^{۱۳} از تبریز راه دیگری به آلاداغ، اخلاط، دیار بکر و از آنجا به سوی جزیره و بلاد شام منتهی می‌شد.^{۱۴} جاده ابریشم در این مسیر از غرب به شرق پس از تبریز به سلطانیه و از آنجا به ری، ورامین، قومن و نیشابور در مسیر شرقی امتداد می‌یافت.^{۱۵}

در دوره ایلخانان تبریز و سلطانیه در شاهراه تجارت شرق و غرب قرار داشت. از ماوراءالنهر تا سواحل دریای مدیترانه کاروان‌های تجاری از این شهرها عبور می‌کردند.^{۱۶} اودوریک سیاح اروپایی در وصف سلطانیه و تبریز اواخر دوره ایلخانان می‌نویسد:

تبریز شهری است شاهانه و بزرگ برای مال التجاره، از این شهر خوب‌تر و بهتر شهری در دنیا وجود ندارد، زیرا هیچ آذوقه و هیچ نوع کالائی بر روی زمین نیست که انبارهای

۱۰. رضوی، ص ۳۰.

۱۱. مارکوپولو، ص ۲۰.

۱۲. به نوشته مارکوپولو حدود ارمنستان صغیر (در قرن هفتم هجری) به قرار زیر است: «از طرف جنوب محدود به ارض موعود، از طرف شمال به کارامانیه (قرامان) و شهرهای قیصریه، و سواستا (سیواس) طرف شمال شرق قرار دارند، بالاخره طرف غربی دریایی است که تا سواحل کشورهای مسیحیان ممتد می‌شود.» مارکوپولو، ص ۲۰؛ به نوشته حافظ ابرو ارمنیه صغری از طرف شام است تا منتهای ولایت روم که آن را اوج می‌خوانند و عرض آن از تخوم ملاطیه تا مرز و بوم انطاکیه.» شهاب الدین عبدالله خوافی (حافظ ابرو)، *جغرافیای تاریخی*، ج ۲ (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹)، ص ۱۹.

۱۳. مستوفی، ص ۱۷۹؛ حسن جوادی، *ایران از دید سیاحان اروپائی از قدیم‌ترین ایام تا دوره صفویه* (تهران: نشر بوته، ۱۳۷۸)،

ص ۱۱۱.

۱۴. گای لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۳۷)، ص ۱۳۳.

۱۵. مستوفی، ص ۱۷۶ - ۱۷۴.

16. Bilgehan Pamuk "ipek yolu ticareti ve Erzencan" *Tarih Incelemeleri Dergisi*, cilt XXII, s2 (Erzencan: Atatürk universitesi, 2007), p. 128.

بزرگی از آن در تبریز یافت نشود و به سلطانیه کالاهای گرانبه‌های زیادی برای فروش می‌آورند.^{۱۷}

منطقه قفقاز از دیگر مراکز مهم تجارت بود. از شهر دربند پارچه کتان و ابریشم و استران بسیار صادر می‌شد.^{۱۸} دبیل، بخاطر تولید لباس مخصوصی از پشم بز و کتان و پارچه‌های ابریشمی و پشمی لحاف، فرش، جاجیم و چادر و غیره شهرت داشت. از این اجناس صادراتی به مقدار زیادی در انبارهای دبیل یافت می‌شد.^{۱۹} اهالی گنجه در تولید ابریشم مهارت داشتند. تجار این محصول را به همراه پارچه‌های ابریشمی به اطراف دریای خزر صادر می‌کردند.^{۲۰} ایلخانان درآمد سرشاری از طریق اخذ عوارض از کاروان‌ها در این مسیرها به دست می‌آوردند. به نوشته پگولتی در هر منزل از هر عدل بار یک آقچه^{۲۱} عوارض گرفته می‌شد. تا تبریز میزان عوارض مجموعاً به ۱۲۰۹ آقچه می‌رسید.^{۲۲} جنوائی‌ها ابریشم شمال ایران را از طریق کانال‌های رودخانه‌های ولگا و دن به اروپا حمل می‌کردند.^{۲۳} از سایر مراکز تجاری در قرن هفتم هجری، یزد و هرمز در جنوب ایران بود. حافظ ابرو در مورد هرمز می‌نویسد: «کشتی‌های تجار از اطراف بدانجا می‌آید و مروارید بسیار در آنجا حاصل می‌شود.»^{۲۴} او می‌افزاید در یزد درخت توت فراوان است، ابریشم خوب حاصل می‌شود، پارچه ابریشمی خوبی که در این شهر تولید می‌شود به اکثر سرزمین‌ها ارسال می‌گردد و بازرگانان بسیاری برای خرید این کالا به یزد می‌آیند.^{۲۵}

۱۷. حسن جوادی، «ایران از دیده گاه سیاحان اروپائی در دوره ایلخانان»، بررسی‌های تاریخی (س ۷، ش ۵، بهار ۱۳۵۲)، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

۱۸. لسترنج، ص ۱۹۴.

۱۹. همان، ص ۱۹۷.

۲۰. قزوینی، ص ۶۰۰.

۲۱. آقچه کلمه ترکی و مغولی است به معنی جسم سفید، مترادف با اسپر یونانی بود. آقچه از دوره سلاجقه و مغولان و ترکان، در ایران و روم متداول بود. ابوالحسن دیانت، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ج ۲ (تبریز: نشر نیما، ۱۳۶۷)، ص ۱۳.

۲۲. جوادی، ایران از دید سیاحان اروپائی از قدیم‌ترین ایام تا دوره صفویه، ص ۱۱۱.

۲۳. همان، ص ۱۱۳؛ هر عدل برابر با ۱۱۰ کیلوگرم بوده است، دیانت، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲۴. شهاب‌الدین عبدالله خوافی (حافظ ابرو)، جغرافیای تاریخی، ج ۳، مقدمه، تصحیح و تحقیق صادق سجادی (تهران: آینه

میراث، ۱۳۷۸)، ص ۱۶.

۲۵. همان، ص ۱۱۰.

سیاست‌های تیمور برای رونق تجارت

الف) تجارت داخلی

نخستین اقدام تیمور برای رونق بخشیدن به تجارت، ایجاد امنیت کامل در راه‌های تجاری بود. با سقوط حکومت ایلخانان مغول در تجارت ایران با غرب رکودی ایجاد شده بود، زیرا با مرگ ابوسعید آخرین ایلخان مغول در سال ۷۳۶ قمری به دلیل جنگ‌های متعدد بین آل چوپان، آل جلایر و آل مظفر امنیت در راه‌های تجاری از بین رفته بود. در دوره آل چوپان، تجار غربی به دلیل ناامنی و آشفتگی اوضاع ایران تبریز را ترک کردند، هر چند ملک اشرف چوپانی با اعزام سفیری به جنوا سعی کرد تجار آن دولت شهر را به تبریز بازگرداند، اما به دنبال غارت یکی از کاروان‌های تجاری ایتالیایی تا روی کار آمدن تیموریان، تجارت ایران با دولت شهرهای ایتالیا قطع شد. حتی تلاش‌های سلطان اویس جلایر برای احیاء تجارت قلمرو خود همانند اواخر دوره ایلخانان مثمر ثمر نبوده است.^{۲۶}

تیمور، هم برای مراقبت از راه‌ها و هم به منظور تامین مایحتاج کاروان‌ها در اکثر راه‌ها رباط احداث کرد. از جمله در اطراف سمرقند رباط‌هایی بنا کرد که به نوشته حافظ ابرو هزار سوار در خود جای می‌داد.^{۲۷} او در نواحی بیابانی لنگرگاه‌هایی برای مسافران بنا و قریه‌هایی برای آنها وقف کرد تا در این لنگرگاه‌ها از مسافران پذیرائی به عمل آید. از سوی دیگر در راه‌ها از ترکستان تا نواحی دهلی، از باب الابواب تا حدود مصر و روم، چنان امنیت برقرار کرد که هیچ کسی جرأت تعرض به کاروان‌ها را نداشت.^{۲۸} در حالی که در دوره امیر مبارزالدین محمد، حاکم آل مظفر جاده‌های تجاری جنوب ایران به وسیله نکودریان ناامن و بر روی تجار مسدود شده بود، به طوری که به گفته حافظ ابرو باد صبا هم در راه‌ها نمی‌وزید.^{۲۹} نظام الدین شامی امنیت راه‌ها در دوره تیمور را چنین توصیف می‌کند:

راه‌های تجاری از ایران به ترکستان (ایران و توران) به تصرف کامل تیمور درآمد در سایه تلاش‌های او از اقصای ماوراءالنهر، سرحد ختای و ختن تا نواحی دهلی و از باب الابواب تا حدود مصر و روم در ایام معدلت و یاساق او چنان امنیت یافت که نه تنها تجار بلکه کودکان و بیوه زنان قماش و

۲۶. جوادی، ایران از دید سیاحان اروپائی از قدیم‌ترین ایام تا دوره صفویه، ص ۱۱۵؛ اقبال آشتیانی، ص ۵۷۴.

۲۷. همان، ص ۲۴.

۲۸. همان، ص ۲۵.

۲۹. همان، ص ۱۰۱.

زر و سیم و ظرایف بضایع و تجارات می‌آورند و می‌برند و هیچ آفریده بحثه از ایشان توقع نمی‌نماید و بدرمی ایشان را خسران واقع نمی‌شود.^{۳۰}

به همین خاطر، یکی از محققین گفته است در واقع تیمور موجد واقعی احیاء نظام پیشه‌وری و اصناف و همچنین اعتلای بازرگانی و تجارت داخلی و خارجی بود که به تدریج تحولات زیادی را از سر گذراند.^{۳۱}

عبدالرزاق سمرقندی ضمن اشاره به وجود امنیت در طول راه‌ها در خصوص احداث قنات‌ها و رباط‌ها می‌نویسد: «چنانکه امروز از دار الملک سمرقند یک ماهه و دو ماهه راه به هر طرف که روند هیچ موضع چنان نمانده که شب در صحرا باید بود و در اکثر بیابان‌ها که صلاحیت آن داشته لنگرها بنا نهاده و دیها وقف کرده و مردم تعیین فرموده تا به خدمت صادر و وارد قیام نمایند و همت بر امن طرق و سلامت مسافران به حدی مصروف داشت.»^{۳۲} او می‌افزاید که تیمور برای دفاع از رعایا و تجار و دهاقین چنان کوشید که از اقصای ترکستان تا نواحی دهلی و سرحد باب الابواب تا حدود مصر و روم نه تنها بازرگان بلکه بیوه زنان و کودکان قماش، زر و سیم و سایر امتعه نفیس می‌آوردند و می‌بردند که هیچ آفریده متعرض آنان نمی‌شود.^{۳۳} حکایت آمدن زنی به نزد تیمور هنگام بازگشت او از فتح شام مثال خوبی از وجود امنیت در راه‌های تجاری در این دوره است:

یک عورت با دو غلام بچه رسیدند با ۱۸ خروار قماش نفیس که از قندهار با شوهر خود محمد قندهاری عازم اردو بوده او بر چندین الوس بیگانه چون تراکه آق قویونلو، مغولان اویرات و اعراب بنی‌اسد گذشته به مجرد آن که متوجه اردو بوده هیچ‌کس پیرامن او نگشته بل رعایت نموده‌اند و در دیار بکر به اردوی همایون ملحق شد.^{۳۴}

به همین خاطر حکومت تیمور برای بازرگانان نعمت بزرگی بود، زیرا کاروان‌ها در کمال امنیت تحت مراقبت مأمورین امنیه تیمور در کوه و بیابان حرکت نموده و با آرامش و راحتی به مقصد

۳۰. نظام الدین شامی، *ظفرنامه*، به تصحیح پناهی سمنانی (تهران: انتشارات بامداد، ۱۳۶۳)، ص ۹.

۳۱. امیر تیمور رفیعی، «سیری در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیموری»، *مجله تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی* (ش ۲،

پائیز ۱۳۸۶)، ص ۷۸.

۳۲. کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، ج ۱، به اهتمام عبدالحسین نوائی (تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۱۴۳.

۳۳. همان.

۳۴. همان، ج ۱، ص ۱۴۴.

می‌رسیدند. در مقابل مبلغی حقوق گمرکی به دولت می‌پرداختند.^{۳۵} تیمور در دوران ماجراجویی‌هایش برای کسب قدرت وقتی در شهر قرشی عده‌ای از لشکریان قماش و اموال بسیاری از بازرگانان را گرفتند تیمور ایشان را به شدت تنبیه کرد و دستور داد تا اموال عارت شده را به صاحبانشان باز گردانند.^{۳۶} او چون حکومت عراق عجم، آذربایجان، اران، موغان، ارمنیه و گرجستان را به عمر میرزا واگذار کرد به وی فرمان داد تا «در حفظ و حراست از راه‌ها به اقصی الغایه و الامکان بکوشد و حفظ مسالک از لوازم ضبط ممالک داند و بازرگانان و ابنای سبیل را به هیچ طریق ناخوشل و مشوش نگرداند.»^{۳۷}

میرانشاه فرزند تیمور پس از تصرف بصره حکومت شهر را به ملوک سبزواری واگذار کرد. او اعرابی را که در آن حدود به قافله حجاج و تجار حمله می‌کردند، سرکوب نمود و کلانتران آنها را به پرداخت باج و خراج وادار کرد.^{۳۸} تیمور به غیر از عوایدی که از بازرگانان به عنوان باج و تمغا می‌گرفت، گاهی از آنان به عنوان ایلچی و جاسوس برای بدست آوردن اطلاعات از وضعیت و موقعیت دشمنان برای دستیابی به اهداف نظامی و سیاسی استفاده می‌کرد. برای نمونه او چون خواست هرات را تصرف کند ایلچی به شهر فرستاد تا حاکم هرات شهر را تسلیم کند. هر بازرگانی که بدان سو می‌رفت نزد خود نگه می‌داشت. چون ایلچیان بازگشتند و به تیمور خبر رساندند که حاکم هرات از تسلیم شهر خوداری می‌ورزد، او به بازرگانان اجازه داد به هرات رفته آوازه اندازند که تیمور بازگشته است. هراتیان این سخن را راست پنداشتند. تیمور با این حيله بر هرات دست یافت.^{۳۹} همچنین تیمور از کاروانیان تجار چین که به سمرقند آمده بودند، اطلاعاتی در باره امپراطور چین، شهر خان بالیخ، جمعیت و ثروت آن سرزمین از یک بازرگان تاتار بدست آورد.^{۴۰}

از دیگر سیاست‌های تجاری تیمور رونق بخشیدن به اقتصاد بازرگانی و پیشه‌وری شهرها بود. هر چند گفته می‌شود که تیمور شهرهایی زیادی نظیر تبریز را ویران نمود، اما بر اساس توصیف کلاویخو شهرهای تبریز، سلطانیه و سمرقند در زمان او رونق زیادی پیدا کردند. تیمور تمام توانش

۳۵. هارولد لمب، تیمور لنگ، ترجمه علی جواهر کلام (تهران: نشر مهرداد، ۱۳۸۸)، ص ۱۴۶.

۳۶. شامی، ص ۴۴؛ شهاب الدین عبدالله خوافی (حافظ ابرو)، زبده التواریخ، ج ۱، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادى (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۴۰۷.

۳۷. همان، ج ۲، ۱۰۱۹.

۳۸. سمرقندی، ج ۲، ص ۶۸۷.

۳۹. شامی، ص ۳۸.

۴۰. روی گونزالز کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۴)، ص ۲۸۹ -

را بکار برد تا سمرقند را به صورت یک بازار بین‌المللی در آورد که در آن تجار مناطق مختلف محصولات دورترین سرزمین‌ها را به این شهر بیاورند.^{۴۱} سمرقند کانون تجارت و انبار کالاهای متنوع سرزمین‌های دور و نزدیک شد. از روسیه و تاتارستان چرم و کتان، از چین ابریشم، حریر و مشک، از بدخشان لعل و الماس، مروارید، ریوند و ساقه ریواس و ادویه و از هند ادویه تند و مرغوب به بازارهای سمرقند آورده می‌شد.^{۴۲} گاهی تیمور برای دستیابی به اهداف تجاری خود متوسل به زور و خشونت بر مردمان مختلف می‌شد. او برای شکوفایی اقتصادی و فرهنگی سمرقند از سرزمین‌های مختلف صنعتگران و صاحبان حرف را به این شهر منتقل کرد و دستور داد برای جلوگیری از فرار این مهاجران پل‌های بسته شده بر روی رود جیحون را مسدود و برای مسافرانی که از سمرقند به سوی خراسان می‌رفتند، فقط با مجوز حکومت اجازه عبور داده شود.^{۴۳} همچنین فرمان داد از میان شهر سمرقند خیابانی طویل کشیده، در دو سوی آن دکان‌هایی برپا نمایند و بازرگانان همه نوع کالا برای فروش به این شهر وارد کنند.^{۴۴} بدین ترتیب، با حمایت مداوم تیمور از بازرگانی و داد و ستد، سمرقند به یکی از شهرهای مهم آن روزگار تبدیل شد که در آنجا از همه ملل مختلف ترک، تازیک، یونانی، ارمنی، هندی، و غیره حضور داشتند.^{۴۵} وی گاهی تجار و پیشه‌وران را وادار به تشکیل اردو بازار در کنار اردوی سپاه خود می‌کرد و اگر فروشنده‌ای گرانفروشی می‌نمود به سختی مجازات می‌شد.^{۴۶}

در دوره تیمور بازار تبریز از ابریشم، پنبه، جواهرات و انواع ظروف پر شد و بازرگانان زیادی در این شهر حضور یافتند.^{۴۷} بازرگانانی که از کنار دریای سیاه و آسیای صغیر می‌آمدند با کاروان‌هایی که از آسیای مرکزی کالا می‌آوردند در تبریز به همدیگر برمی‌خوردند.^{۴۸} در واقع، تبریز به یکی از شهرهای مبادله کالاهای تولیدی آسیا با اروپا تبدیل شد. شلیت برگر در این دوره، بر اساس مشاهدات خود می‌نویسد پادشاه ایران عایدات زیادی از شهر تبریز به دست می‌آورد که میزان آن بیشتر از عایدات قدرتمندترین پادشاهان اروپایی است، برای اینکه تجار بیشتری به این شهر

۴۱. لوسین بوات، تاریخ تیموریان، ترجمه محمود بهفرزی (تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۴)، ص ۶۵.

۴۲. کلاویخو، ص ۲۹۲.

۴۳. همان، ص ۲۱۲.

۴۴. همان، ص ۲۷۷ - ۲۷۶.

۴۵. همان، ص ۲۸۵.

۴۶. همان.

۴۷. همان، ص ۱۶۱ - ۱۶۰.

۴۸. همان، ص ۱۵.

می‌آیند.^{۴۹} در کنار آن سلطانیه هم از اهمیت تجاری خوبی برخوردار بود. به نوشته کلاویخو، سلطانیه در اوایل قرن نهم هجری از لحاظ بازرگانی و داد و ستد از تبریز اعتبار بیشتری یافت. در ماه‌های تابستان کاروان‌های بزرگی از شتران با بارهایی از کالاهای متنوع به این شهر می‌آمدند. حکومت تیموری از این طریق عواید فراوانی به دست می‌آورد. هر ساله گروه عظیمی از بازرگانان هندی، ادویه کشور خود را به سلطانیه وارد و تجار این کالای ارزشمند را به بازارهای سوریه می‌بردند.^{۵۰} مازندران در این دوران از مناطق مهم تولید محصولات کشاورزی و تجاری بوده است. تیمور با تصرف این منطقه اموال زیادی را از خزانه سید کمال الدین مرعشی از جمله: از ششصد هزار تنگه سفید، دویست هزار تنگه سرخ، اشیاء ساخته شده از طلا و از سببکه به ارزش بیست هزار مثقال، نقره سیصد خروار شتری، اقمشه، امتعه و کاسه‌های چینی و حلبی و لاجوردی و سایر اجناس به دست آورد.^{۵۱} فهرست این غنایم از یک سو نشان می‌دهد که مازنداران منطقه‌ای ثروتمند بود که در نتیجه آن حاکمان مرعشی چنان اموال فراوانی اندوخته بودند، از سوی دیگر وجود اشیاء چینی و حلبی نشان می‌دهد که در اواخر قرن هشتم هجری بین این سرزمین‌ها با ایران تجارت برقرار بوده است. چرا که در تاریخ مبارک غازی آمده است تجار از روم و فرنگ به تبریز آمده و بارهای خود را در این شهر به فروش می‌رسانند.^{۵۲} هنگام حمله تیمور به مازندران مال بسیاری از نقد و جنس در قلعه ماهانه‌سر آمل نگهداری می‌شد که شامل خزاین آل باوند که به تصرف چلاویان درآمده بود و آنچه چلاویان جمع کرده بودند و دیگر اموالی که در طی حکومت سادات در آن قلعه گرد آمده بود و نیز مال خواجه‌های ساری و آمل و اموال تجار غریب که در آن ایام در آمل بودند مجموعاً به تصرف عمال تیمور درآمد.^{۵۳} از دیگر سیاست‌های تجاری تیمور احیای رسم ارتاق همانند دوره ایلخان بود. براساس آن، اشراف و شاهزاده‌گان و حاکمان تیموری از عواید حاصل از تجارت بهره‌مند می‌شدند. در این دوره شرکت‌های تجاری فعال بودند و صاحبان سرمایه، دارائی خود را برای تجارت در اختیار سوداگران

49. Johan Schiltberger, *Bondage and Travels* (London: Hakluyt Society, 1879), p 44.

۵۰. کلاویخو، ص ۱۶۶.

۵۱. سید ظهیرالدین مرعشی، *تاریخ طبرستان، رویان و مازندران*، به تصحیح محمد حسین تسیحی (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۳)، ص ۲۳۴، شرف الدین علی یزدی، *ظفرنامه*، ج ۲، به تصحیح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوائی (تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۱۴۴۰ - ۱۴۳۹.

۵۲. رشیدالدین فضل الله همدانی، *تاریخ مبارک غازی*، به تصحیح کارل یان (هرتفرد: استنن اوستین، ۱۳۵۸ق/۱۹۴۰م)،

ص ۲۰۶.

۵۳. مرعشی، ص ۲۳۳.

قرار می‌دادند. تجار و سوداگران هر بلاد، اقمشه و امتعه نفیس از جزایر و دریا به نقاط مختلف می‌بردند و از طریق معامله و مباحه سود فراوان عاید آنان می‌شد.^{۵۴} هر چند در منابع تیموری کمتر به این مسأله اشاره شده است، اما یک نمونه از آن مربوط به الغ بیگ جانشین شاهرخ می‌باشد که او در ایام سلطنت خود سرمایه زیادی را به یکی از تجار تسلیم کرد تا تجارت کند و سود حاصل از آن را (مباحه) به خزانه وی بازگرداند. پس از چندی تاجر فوت کرد، الغ بیگ که چشم طمع بر میراث او دوخته بود، اعلام کرد از خزانه او مقدار زیادی لعل نزد آن بازرگان بود و بدین منظور شاهدانی نیز آماده نمود، اما با مداخله یکی از قضات سمرقند الغ بیگ از تصاحب میراث تاجر فوت شده منصرف شد.^{۵۵}

از دیگر سیاست‌های تجاری تیمور، اخذ مالیات تمغا و یا باج از تجار بود. او در نزدیکی سمرقند در میان گذرگاه رشته کوه‌ها در آهنین همانند در آهنین دربند قفقاز احداث کرد تا از بازرگانانی که از سمرقند به خراسان و یا برعکس رفت و آمد می‌کردند، عوارض گمرکی دریافت شود.^{۵۶} مالیات بر تجارت از دوره غازان خان از مهم‌ترین عوائد منظم خزانه دولت به شمار می‌رفت. تمغا در اواخر دوره ایلخانان اغلب شامل مالیات‌های فوق‌العاده و مالیات‌های مربوط به تجارت و صنعت بود که به اصطلاح باج می‌گفتند.^{۵۷} در تزوکات تیموری از دریافت تمغا از دوازده اویماق اشاره شده است.^{۵۸} در دوره تیمور مکرر از منصب «تمغاچی»^{۵۹} سخن به میان آمده است. یحیی برسلانی، تمغاچی اردو بازار میرانشاه در تبریز بود. به رغم اینکه دریافت تمغا با مخالفت علما روبرو بوده است، اما دریافت این نوع مالیات در سراسر دوره تیموریان با فراز نشیب‌هایی ادامه داشت. در زمان تیمور، محمد تفتازانی، فرزند سعدالدین تفتازانی از علمای مشهور این دوره، از جمله این مخالفان بوده است. خواندمیر داستانی را نقل می‌کند که تیمور مبلغ پنج هزار دینار برات برای او حواله کرد، همین که محمد تفتازانی برات را گرفت خواست از نزد تیمور بیرون رود، تیمور او را فرا خواند و به وی گفت

۵۴. غیاث الدین بن هماد الدین حسینی (خواندمیر)، تاریخ حبیب السیر، ج ۳، با مقدمه جلال الدین همائی (تهران: انتشارات خیام، ۱۳۸۰)، ص ۳۹۷.

۵۵. همان، ج ۴، ص ۳۷.

۵۶. کلاویخو، ص ۲۱۰.

۵۷. برت فراگنز، «تاریخ اجتماعی و اقتصادی داخلی»، تاریخ ایران دوره تیموریان، پژوهش از دانشگاه کمبریج، به کوشش ه. ر. رویمر ترجمه یعقوب آژند (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹)، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۵۸. ابوطالب حسینی تربتی، تزوکات تیموری (تهران: کتاب فروشی اسدی، ۱۳۴۲)، ص ۳۶.

۵۹. تمغاچی کسی بود که از اجناس باج گرفته و بر آنها مهر می‌زد و یا به محصل باج و خراج، باج‌گیر، گمرکچی، مامور وصول عوارض از مال التجاره گفته می‌شد، فرهنگ اصطلاحات دیوانی، به نقل از زبده التواریخ حافظ ابرو، ج ۳، ص ۷۰.

وقتی زر تمغا را حرام‌ترین وجوه می‌دانید، چگونه آن را به رسم انعام از ما قبول می‌کنید.^{۶۰} مدعیان قدرت از خاندان تیموری گاهی برای جلب نظر علما، تجار و پیشه‌وران، اقدام به لغو تمغا می‌کردند. میرزا عبداللطیف وقتی در بلخ علیه الغ بیگ شورش کرد دستور داد که از کسی مالیات تمغا گرفته نشود. علت این دستور آن بود که الغ بیگ در باب اخذ وجوه تمغا و زکوه مبالغه بسیار می‌کرد.^{۶۱} سلطان ابوسعید نیز با توجه به نفوذ خواجه عبیدالله احرار تمغای سمرقند و بخارا را که مبلغ زیادی بود، لغو کرد.^{۶۲}

ب) تجارت خارجی

تیمور از همان آغاز فرمانروایی خود در صدد برآمد بر راه‌های تجاری آسیا به اروپا مسلط شود، تا از عواید سرشار آن بهره‌مند گردد. یکی از راه‌های تجاری شرق و غرب مسیر شمال دریای خزر بود که از دشت‌های کنار دریای خزر و دریای سیاه گذشته و به اروپا منتهی می‌شد. از قرن هفتم تا نهم قمری، سرای، پایتخت اولوس زرین، تانا و کافا از مراکز تجاری مهم برای مبادله کالاهای شرق و غرب محسوب می‌شدند. ابن عربشاه در مورد رونق تجارت در این مسیر می‌نویسد:

کاروان‌های تجاری از خوارزم حرکت نموده و بدون نگرانی و تشویش راه در پیش می‌گرفتند. در این مسیر کثرت جمعیت فراوان و وفور نعمت چنان زیاد بود که کاروانیان توشه راه بر نمی‌داشتند، چون از مهمانسرای قبایل سر راه هر آنچه نیاز داشتند، می‌گرفتند، اما امروزه [پس از حمله تیمور به دشت قپچاق] از آن قبایل و حشم در راه خوارزم به سرای کسی و چیزی باقی نمانده است.^{۶۳}

تا اوایل قرن نهم قمری، یکی از راه‌هایی که کالاهای تجاری نظیر ادویه، ابریشم، مروارید و سایر سنگ‌های قیمتی از سرزمین‌های اطراف دریای خزر به دست جنوائی‌ها و ونیزی‌ها در تانا و کافا (در شمال دریای سیاه) می‌رسید، همین مسیر بود.^{۶۴} تیمور به دو دلیل به دشت قپچاق حمله و شهرهای مهم آن را ویران کرد. اولاً اینکه وی می‌دانست که به طور دائمی نمی‌تواند بر اقوام ساکن

۶۰ خواندمیر، ج ۳، ص ۵۴۶.

۶۱ همان، ج ۴، ص ۳۲.

۶۲ سمرقندی، ج ۱، ص ۲۵.

۶۳ احمد بن محمد ابن عربشاه، عجایب المقذور نواب تیمور یا زندگی شگفت آور تیمور (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۳۹)، ص ۶۶.

64. Pero Tafur, *Travel and Adventure 1435- 1439*, Translated and Edited by Malcolm Letts (New York: Georgia Press, 2007), P. 134.

در این سرزمین‌ها حاکمیت یابد، لذا باید حکومت‌های این منطقه را از نظر اقتصادی و نظامی از هستی ساقط می‌کرد، ثانیاً تیمور برای تغییر مسیر تجارت از شمال دریای خزر به جنوب آن (مسیر ایران) باید بازرگانی این مسیر را مسدود می‌ساخت،^{۶۵} تا راه‌های تجاری ایران رونق بیشتری یابند، به همین منظور او شهرهای این ناحیه نظیر اورگنج، سرای، آستاراخان، آزوف (تانا) و کافا را ویران ساخت.^{۶۶} زمانی که تیمور از سرای به سوی تانا و کافا در حال حرکت بود، تجار جنوبی با عجله هدایایی به وی فرستادند، اما به رغم این تیمور این دو شهر را ویران کرده و تجارت‌خانه‌های تجار ایتالیایی در آنجا را به آتش کشید. در حالی که او پس از فتح آناتولی با ارسال نامه‌ای به شارل ششم پادشاه فرانسه خواستار توسعه مناسبات بازرگانی بین طرفین شده و به وی یادآور شده بود که دنیا به وجود بازرگانان آباد است.^{۶۷} براساس این نامه، توسعه مناسبات بازرگانی با غرب، از سیاست‌های تیمور بوده است. او برای اینکه تجارت مسیر شمال دریای خزر را به جنوب این دریا منتقل کند و از عواید آن بهره‌مند شود، باید مسیر تجارت این منطقه را با ویران ساختن شهرهای تجاری آن مسدود می‌ساخت. حافظ ابرو می‌نویسد:

تیمور عازم حاجی ترخان و سرای شد. امیرزاده پیر محمد بن امیرزاده جهانگیر را با امیر جهان‌شاه بهادر نامزد گردانید که به حوالی سرای تاخت کنند و خود به جانب حاجی ترخان رفت. محمدی که والی آنجا بود بیرون آمد و به شرف بساط بوس حضرت صاحب قرانی مشرف گشت. فی الحال امیر صاحب قران نواب خود را به حاجی ترخان فرستاد تا ذخیره چندین سال تجار و ملوک و اهالی آنجا را ضبط نمودند و از آنجا مراجعت کردند، هم در راه لشکری که به جانب سرای فرستاده بود با الجا و غنیمت بسیار به اردوی همایون ملحق شدند.^{۶۸}

با این همه، رکود تجارت این منطقه موقتی بود. در اواخر قرن نهم هجری، به گزارش یکی از سیاحان ونیزی، عده زیادی از تجار تاتار در کاروانی با مسافرت به ایران پارچه‌های ابریشمی یزدی و پارچه فاستونی را خریداری و برای معاوضه با خز، لگام اسب، شمشیر و سایر لوازم به مسکو

۶۵. ن. و. پیکولوسکایا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز (تهران: پیام، ۱۳۵۴)، ص ۴۲۹.

۶۶. ای. پ. پتروشفسکسی، ایران در سده‌های میانه، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی (تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۹)، ص ۷۰ - ۶۹.

۶۷. میرزا محمدخان بن عبدالوهاب، بیست مقاله قزوینی (تهران: کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۲)، ص ۵۲.

۶۸. خوافی، زبده التواریخ، ج ۲، ص ۸۰۹.

می‌بردند.^{۶۹} اما با این حال به مانند گذشته رونق زیادی نداشت.

توسعه روابط تجاری با دول همجوار و یا با دول اروپائی از دیگر سیاست‌های تجاری تیمور بود. او پس از تصرف آناتولی تا سواحل مدیترانه پیش رفت و برخی از بنادری که هنوز در دست مسیحیان قرار داشت، تصرف کرده و قلاع آنان در از میر را ویران ساخت و سپس آزادی تجارت خارجی را به تجار آناتولی اعطاء نمود.^{۷۰} زمانی که او به قدرت رسید بین آسیای مرکزی و چین روابط تجاری خوبی وجود داشت. این روابط در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت. کلاویخو اشاره می‌کند که قبل از ورود او به سمرقند یک کاروان با ۸۰۰ بار شتر از اجناس متنوع از چین به این شهر رسید.^{۷۱} تیمور با فولاد خان و امیر ادکو بهادر، حاکمان بدخشان و اوزبک مناسبات دوستانه برقرار و از آنان خواست تا تجار بین دو سرزمین رفت و آمد نمایند.^{۷۲}

تیمور به بهانه تأمین امنیت در راه‌های تجاری و از بین بردن ناامنی در جاده‌های تجاری به هند حمله کرد.^{۷۳} او که تلاش می‌نمود راه‌های تجاری منتهی به کشورهای همسایه در امنیت کامل باشد تا کاروان‌ها بتوانند در سایه امنیت بین سرزمین‌های مختلف رفت و آمد نمایند، در ۷۹۵ قمری شیخ ساوه‌ای را به نزد سلطان برقوق فرمانروای مصر فرستاد. از جمله خواسته‌های او از سلطان مملوکان «گشودن باب مراسله و مکاتبت و رفت و آمد ایلچیان بود تا راه‌ها امن گشته و تجار در سایه آرامش و امنیت بین دو سرزمین به تجارت پردازند.»^{۷۴} او در مکاتبات خود با سلطان مملوکان نوشت که جمعی از تجار و حاجیان از نواحی اردبیل و گیلان در مقام دادخواهی و تظلم درآمدند که در حدود مرز مصر جمعی از دزدان به قافله آنان حمله کرده و وجوهات و اجناس آنان را غارت کرده‌اند.^{۷۵}

پیامدهای حمایت از تجارت

الف) افزایش عواید حاصل از تجارت

ابریشم در این دوران از محصولات تولیدی کشاورزی سواحل دریای خزر به شمار می‌رفت. این کالا

۶۹. باربارو و دیگران، سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه منوهر امیری (تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹)، ص ۷۲.

70. Elizabeth Zechariadou, *Trade and crusade, venetian crate and emirates of Mentеше and Aydin 1300-1415* (Venice: library of the Hellenic Institute, 1983), p 80.

۷۱. کلاویخو، ص ۲۸۸.

۷۲. حافظ ابرو، زبده‌التواریخ، ج ۳، ص ۳۳۰.

۷۳. عبدالحسین نوائی، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵)، ص ۷۰.

۷۴. سمرقندی، ص ۶۹۰ - ۶۸۹.

۷۵. همان، ص ۱۴۷.

از چنان ارزشی برخوردار بود که مانند سکه زر دست به دست می‌شد و اغلب حاکمان محلی برای پرداخت مالیات به دولت‌ها به جای سکه، ابریشم ارسال می‌کردند. نظام الدین شامی در مورد مقدار مالیات ابریشم گیلان در زمان تیمور می‌نویسد: «مال گیلانات بر ده هزار من^{۷۶} ابریشم که به سنگ هرات پانزده هزار من (۴۵۰۰۰۰ کیلو گرم) باشد.»^{۷۷} ملا شیخعلی در تاریخ مازندران می‌نویسد سید زین العابدین، حاکم وقت مازندران مالیات سالیانه‌ای معادل ۱۲۰ خروار ابریشم می‌پرداخته است.^{۷۸} میزان مالیات و پرداخت آن به جنس (ابریشم) نشان می‌دهد که محصول مهم این منطقه، ابریشم بوده است. با رونق تجارت در دوره تیموریان، مازندران به عنوان مهم‌ترین مرکز تولید و صادرات ابریشم در طول قرن نهم هجری روز به روز اهمیت بیشتری یافت. به نوشته ظهیرالدین مرعشی، خراجی که در سال ۸۲۲ قمری (۱۴۱۹م) از مازندران به خزانه شاهرخ پرداخت می‌شد، به میزان چهل خروار^{۷۹} ابریشم سرخ و سفید به وزن استرآباد هر خروار چهل من بوده به غیر از آن ده خروار نیز به امرای دولت ارسال می‌شد.^{۸۰} این میزان پس از ۵۱ سال یعنی در سال ۸۷۳ قمری (۱۴۷۱م) به ۱۲۰ خروار رسید.^{۸۱} ابریشم به عنوان محصول تجاری در گیلان از چنان ارزش اقتصادی برخوردار بود که سیدرضا کیا برای آزادی برادرش سید حسین کیا از اسارت مخالفان مقدار پانصد من ابریشم به عنوان فدییه به آنان پرداخت کرد.^{۸۲} مال خراجی که سید رضا کیا و امیر محمد رشتی، حاکمان گیلان در سال ۸۰۶ قمری به خزانه تیمور می‌دادند، به میزان پانزده هزار من ابریشم و هفت هزار رأس اسب و سه هزار گاو بود.^{۸۳}

حکومت تیموریان به غیر از مالیات ابریشم دریافتی از مناطق ساحلی دریای خزر، از طریق

۷۶. هر من در دیلم و طبرستان ۱۹۲۰ گرم بوده است. من به سه قسم محاسبه می‌شد: من کوچک ۸۳۳ گرم، من بزرگ ۳ گیلو گرم و من متوسط ۱۹۲۰ گرم. والتر هینتس، *اوزان و مقیاس‌ها در اسلام*، ترجمه غلامرضا ورهرام (تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۲۷.

۷۷. شامی، ص ۲۹۵.

۷۸. ملا شیخعلی، *تاریخ مازندران*، به نقل از: حسن تاجبخش، «ابریشم ایران»، *مجله فرهنگ* (ش ۲۰ و ۲۱، زمستان ۱۳۷۵ و بهار ۱۳۷۶)، ص ۳۳۷.

۷۹. خروار از نظر لغوی به معنی بار خریا بار اسب و قاطر بوده است. در دوره ایلخانان هر بار چهار پا ۱۰۰ من یعنی ۸۳/۳۰ کیلوگرم تعیین می‌شد. در حدود سال ۸۴۴ قمری (۱۴۴۰م) یک خروار در فارس ۲۰۰ من، یعنی دو برابر دوره ایلخانان بوده است. هینتس، ص ۲۲.

۸۰. مرعشی، ص ۲۷۳.

۸۱. همان، ص ۵۳۸.

۸۲. سید ظهیر الدین مرعشی، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶)، ص ۱۱۷.

۸۳. یزدی، ج ۲، ص ۱۲۳۱.

اخذ عوارض از کاروان‌های تجاری در راه‌ها عواید سرشاری به دست می‌آورد. هر چند در منابع دوره تیموری اطلاعات اندکی در این خصوص وجود دارد، اما می‌توان از میزان عوارض راهداری که همزمان در آناتولی از سوی حکومت عثمانی اخذ می‌شد، به کثرت این درآمدها پی برد. بر اساس برآورد پژوهشگران ترک از دفاتر مالیه عثمانی در قرن نهم هجری قمری (پانزدهم میلادی) از کاروان‌هایی که از ایران به عثمانی ابریشم حمل می‌کردند، عوارضی به نام میزان حریر از هر باتمان یا من یک کروش دریافت می‌شد. علاوه بر آن، وقتی بارها برای فروش وارد شهری می‌شد، دولت از بابت نگهداری از کالاهای تجار برای هر باتمان، نیم کروش مالیات اخذ می‌کرد.^{۸۴} در قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری قمری (۱۴۵۳-۱۳۳۱م) در امیرنشین‌های منتشا، آیدین، قرمان و گرمیان آناتولی، ۲ الی ۴ درصد عوارض گمرکی از تجار ونیزی و جنوایی و یا از تجار مسلمان دریافت می‌شد.^{۸۵}

وقتی سپاهیان تیمور هرمز را تصرف کردند، محمد شاه والی هرمز مطیع تیمور شد. خراج این بندر تجاری در آن زمان سیصد هزار دینار بود که مدت چهار سال هیچ دیناری از آن به کسی پرداخت نشده بود. او مال چهار سال را قبول کرد که به خزانه تیمور پردازد و مقداری به نقد و بخشی به مروارید و اقمشه فرستاد و باقی مانده را التزام نمود که متعاقبا ارسال دارد.^{۸۶} عبدالرزاق سمرقندی در سفر خود به هند در سال ۸۴۵ قمری، از رونق بازرگانی هرمز و حضور تجار از تمام سرزمین‌ها در این شهر توصیف دقیق ارائه کرده و از عواید حکومت به مقدار ۱۰ درصد از کالاهای مبادله شده خبر داده است.^{۸۷} این میزان از مالیات، نشان دهنده افزایش درآمدهای حکومتی از رونق تجارت است. سمرقندی اوضاع تجاری بندر هرمز را چنین وصف می‌کند:

تجار اقالیم سبعة از مصر و شام و روم و آذربایجان و عراق عرب و عجم و ممالک فارس و خراسان و ماوراءالنهر و ترکستان و مملکت دشت قباچاق و نواحی قلماق و تمام بلاد مشرق و چین و ماچین و خان‌بالیق روی توجه به آن بندر دارند... نفایس و ظرایف به آن بلده آورند و مسافران عالم از هرجا آیند و هرچه آرند در برابر هرچه خواهند بی‌زیادت جست‌وجوی در آن شهر یابند. هم نقد دهند و هم معاوضه کنند.^{۸۸}

84. Pamuk, p. 133.

85. Turan Atan, *Türk gumruk tarihi* (Ankara: Türk Tarih kurumu, 1190), p. 132-133.

۸۶. شامی، ص ۱۸۶؛ یزدی، ج ۱، ص ۸۵۴.

۸۷. سمرقندی، ج ۲، ص ۵۱۴.

۸۸. همان، ج ۳، ص ۵۱۳-۵۱۴.

در این دوره شیراز و هرمز از مناطق مهم تجاری در جنوب ایران محسوب می‌شدند. از شیراز پارچه‌های گوناگون ابریشمی، پنبه‌ای، تافته و کرپ و از هرمز مقادیر زیادی مروارید و سنگ‌های گرانبها به سلطانیه ارسال می‌شد.^{۸۹} وارتما در اوایل قرن دهم هجری قمری (شانزدهم میلادی) گزارشی از مشاهدات خود در مورد هرمز را چنین ارائه می‌دهد: «شما باید بدانید که معمولاً ۴۰۰ بازرگان بیگانه در این شهر اقامت دارند که در خرید و فروش ابریشم و مروارید، جواهرات و ادویه کار می‌کنند.»^{۹۰} گزارش وی نشان دهنده اهمیت تجاری هرمز در قرن نهم هجری قمری نیز می‌باشد.

او در مورد شهر هرات می‌افزاید در آنجا همه چیز به فراوان یافت می‌شود. فراوانی کالا به ویژه ابریشم به قدری است که شما می‌توانید در روز ۳ یا ۴ بار شتر ابریشم خریداری کنید.^{۹۱} حکومت از این کالاهای تجاری مبالغ زیادی عوارض گمرکی و تمغا دریافت می‌کرد.

عواید حاصل از تجارت چنان زیاد بود که رجال دولتی و حتی بزرگان طریقت مثل عبیدالله احرار نقشبندی را به سوی خود می‌کشاند و سید فخرالدین جلال اسلام، از وزرای دوره شاهرخ از راه تجارت ثروت فراوان به دست آورده بود.^{۹۲} خواجه مصطفی رومی، یکی از خدمتکاران و پیشکاران خواجه عبیدالله احرار بوده است که با سرمایه خواجه برای او تجارت می‌کرد و مولانا نجم الدین از دیگر خادمان خواجه احرار بود که از راه تجارت سرمایه بسیاری جمع کرده بود.^{۹۳}

ب) رونق تجارت خارجی

تجارت خارجی ایران در دوره تیموریان در سه مسیر صورت می‌گرفت. (۱) در مسیر شرق در طول جاده ابریشم از طریق هرات و سمرقند به چین، حمدالله مستوفی در این مسیر از راه‌های سلطانیه به نیشابور، هرات، بلخ، مرو و خوارزم اطلاعات ارزشمندی ارائه نموده است.^{۹۴} (۲) در مسیر جنوب

۸۹. کلاویخو، ص ۱۶۶.

۹۰. لودویگوری وارتما، «بخش ایران از سفرنامه وارتما»، ترجمه و مقدمه و یادداشت‌های تاریخی محسن جعفری مذهب، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (س ۲۸، آبان و آذر ۱۳۷۹)، ص ۱.

۹۱. همان، ص ۲.

۹۲. بتاتریس فورنز منز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ترجمه جواد عباسی (مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۰)، ص ۱۱۰.

۹۳. مولانا فخرالدین علی بن حسین واعظ کاشفی، رشحات عین الحیات، ج ۱، با مقدمه و تصحیح اصغر معینیان (تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۵)، ص ۵۳۶ و ۶۷۱.

۹۴. مستوفی، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.

راه‌ها از طریق یزد و هرمز (خلیج فارس) رسیده و از این طریق با هند تجارت می‌شد. ۳ در غرب از طریق سلطانیه و تبریز به آناتولی، کاروان‌های تجاری رفت و آمد می‌کردند. مستوفی راه‌های غرب را چنین توصیف می‌کند: «از سلطانیه به زنجان پنج فرسنگ از آنجا راهی به تبریز، مراغه و ارمن و روم می‌رود و راه دیگر به اردبیل و سراو [سراب] منتهی می‌شود.^{۹۵} راه اردبیل به شیروان به شهر بردعه در قفقاز می‌رسید. شهرهای شیروان با توجه به موقعیت اقتصادی در تولید ابریشم و سایر کالاهای صادراتی، از اهمیت خاصی برخوردار بودند. راه‌های متعددی در این منطقه وجود داشت، از جمله راه شرق که از طریق شماخی به شیروان می‌رفت و راه جنوب در محل اتصال رود ارس با رود کر از بیلقان به مغان و اردبیل می‌رسید.^{۹۶}

مسیر جنوب ایران اهمیت تجاری خود را از دوران گذشته حفظ کرده بود. در دوره حاکمیت آل‌اینجو بر فارس و آل‌مظفر بر کرمان، یوسف شاه بن قطب‌الدین در هرمز حکومت داشت. چون عایدی هرمز از راه تردد کاروان‌های تجاری بود، او برای حفظ موقعیت تجاری این بندر با حاکمان فارس و کرمان مناسبات دوستانه برقرار نمود و خراجی مقرر به هر دو پرداخت می‌کرد.^{۹۷} یزد از جمله مناطقی از ایران بود که ابریشم خوب در آنجا تولید می‌شد و صنعتگران، پارچه‌های ابریشمی بسیار ظریف در این شهر بافته و تجار زیادی برای خریداری آن به یزد می‌آمدند.^{۹۸} در سال ۸۴۴ قمری در کاروانسرای قلندر یزد، بازرگانان روم و شیروان فرود آمده و معاملات ابریشم را در آنجا انجام می‌دادند.^{۹۹} باربارو، رونق تجارت یزد را در این دوران به خوبی توصیف کرده است. او این شهر را محل فعالیت صنعتگران در تولید پارچه‌های ابریشمی، نخی و پشمی معرفی کرده و افزوده است که بخش عمده ابریشم مصرفی در کارگاه‌های نساجی این شهر را از استرآباد و از نواحی جغتای (ماوراءالنهر) می‌آوردند. یزدیان با کار و کوشش خویش مقدار زیادی از این پارچه را به هند، جغتای، چین و ماچین و بخشی از ختای و بورصه (بورسا) و ترکستان صادر می‌کردند.^{۱۰۰} مسیر انتهایی کاروان‌ها، در راه‌های جنوبی بندر هرمز بوده است که عبدالرزاق سمرقندی همان طور که ذکر شد، شرح مفصلی از تجارت این شهر و حضور تجار ملل مختلف در آنجا ارائه کرده است.

۹۵. مستوفی، ص ۱۸۰.

۹۶. ولادیمیر بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور (تهران: چاپخانه اتحادیه، ۱۳۸۰)، ص ۲۳۲ - ۲۳۱.

۹۷. معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ معینی، به تصحیح روین استخری (تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۳)، ص ۲۱.

۹۸. خوافی، جغرافیای تاریخی، ج ۲، ص ۱۱۰.

۹۹. احمد بن حسین کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶)، ص ۱۰۹.

۱۰۰. باربارو و دیگران، ص ۷۰.

بخشی از تجارت خارجی ایران در مسیر راه‌های تجاری غرب از دیار بکر و جزیره به شامات و از آنجا به مصر می‌رفت. در منابع تاریخی دوره ممالیک مصر، از حضور تجار ایرانی در آن سرزمین یاد شده است. از جمله این تجار، نورالدین علی تبریزی به شمار می‌رفت که از سوی سلاطین فرنگ حامل نامه‌هایی به پادشاه حبشه بوده است.^{۱۰۱}

در ساحل غربی دریای خزر، شیروان از جمله مناطقی بود که از رونق تجاری قابل توجهی برخوردار بود. شهرهایی مانند شیروان شماخی، گنجه، بردعه، بیلقان در دوره تیموریان و ترکمانان از مراکز مهم تولید محصولات کشاورزی و تجاری محسوب می‌شدند. اغلب ساکنان این منطقه اعم از مسلمان یا ارمنی به تجارت می‌پرداختند. محصولات تولیدی شهرهای قفقاز را به قلمرو عثمانی، دشت قپچاق و مناطق مختلف ایران برای فروش می‌بردند. بیشتر این تجار برای تجارت به بورسا می‌رفتند. از قرن نهم هجری قمری (پانزدهم میلادی) ابریشم صادراتی ایران در بورسا به دلیل افزایش تقاضای صنایع ابریشم‌بافی عثمانی و اروپا اهمیت زیادی یافت. تجار تبریزی، گیلانی و شیروانی عمدتاً این محصول را به بازار بورسا می‌بردند. در میان آنها تجار ارمنی و آذربایجانی بیشتر بوده‌اند.^{۱۰۲}

در اسناد تجاری باقیمانده از بورسا از این دوره نام تجار نظیر آقا بن حاج یعقوب شروانی، علی فتاح شیروانی، خواجه محمد بن حاج سیدی شروانی، خالق ویردی بن حاج یزدان پناه شروانی، نجم الدین بن سعده شروانی دیده می‌شود. این تجار در بورسا با تجار هم‌وطن خود و یا با تجار سرزمین‌های دیگر مبادلاتی انجام داده و بر طبق قوانین تجاری عثمانی مبیعه نامه‌ای را بین خود منعقد می‌ساختند و با تأیید سه و یا چهار نفر شاهد مبادله آنها از نظر قضائی رسمیت می‌یافت. در یکی از این مبیعه نامه‌های تجاری آمده است: «حاج اولو آغا بن حاج یعقوب شروانی تعهد نموده است که از بابت قرض مبلغ دو هزار شاهروقی نسبت به خواجه بن خواجه علی فتاح شروانی بر گردن خود دین و قرض داشته که باید پرداخت نماید.» خواجه محمد بن حاج سیدی شروانی و نجم الدین بن سعده شروانی و خالق ویردی بن حاج پیرزاد شروانی و امیر احمد بن شیخی شاهدان این قرارداد نامه بوده‌اند.^{۱۰۳}

یکی از تجار ایرانی در این دوران خواجه حسن بن کمال بن عماد شیرازی نام داشت که در

۱۰۱. جمال الدین ابو المحاسن یوسف ابن تغری بردی، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و قاهره*، ج ۱۴ (قم: دارالکتب العلمیه،

۱۳۸۳)، ص ۳۲۴.

102. Halil Inalcık "Xv Asir sanayi ve ticaret tarihine deir vesikalar" *Bellelen*, c XXIV, p 9, 1995, p 51-52.

103. Halil Inalcık, *Bursa kadi sicillilerinden seçmeler*, Belgeler, 1981, cilt X, sayı14, 1981, p 13.

سال ۸۸۴ قمری در بورسا به تجارت مشغول بوده است.^{۱۰۴} برخی از تجار اهل خراسان در این زمان در ادرنه سکونت یافته و به تجارت می‌پرداختند. یکی از آنها میر سعید بن عبدالله خراسانی بود که طبق قرار داد منعقد شده او در سال ۸۸۹ قمری، کالاهای یکی از تجار تبریزی به نام میرزا رفیع الدین تبریزی را از وکیل او به نام حمزه بن عبدالله خریداری کرده و براساس آن مبیعه نامه‌ای بین طرفین منعقد شده است.^{۱۰۵}

بخش عمده‌ای از کالاهای صادراتی این تجار ابریشم استرآباد بوده است. در اسناد تجاری به فروش این محصول به تجار فرنگی و یهودی و ارمنی اشاره شده است.^{۱۰۶} ابریشم استرآباد در بورسا خریداران زیادی داشت، به طوری که در سال ۱۴۶۷ میلادی هر لودر آن به قیمت ۵۰ آقچه و در سال ۱۴۷۸ میلادی به ۶۷ آقچه و در سال ۱۴۸۸ میلادی به ۷۰ آقچه فرخته می‌شد.^{۱۰۷} هر لودر ابریشم ۵۶۳/۲ گرم بوده است. در این دوران ادویه و ابریشم از طریق تبریز، ارزروم، ارزنجان، توقات، آماسیه و سینوپ به اروپا ارسال می‌شد.^{۱۰۸}

مارینگی، یکی از تجار فلورانس که در سال ۱۵۰۱ میلادی در بورسا اقامت داشت، اشاره می‌کند که تجار ایتالیایی با بی‌صبری منتظر رسیدن کاروان‌های ابریشم از ایران بودند. آنان برای خرید این کالا با دیگران رقابت می‌کردند، چرا که صنایع فلورانس به ابریشم خام ایران وابسته بوده است.^{۱۰۹} از سایر اقلام صادراتی ایران به عثمانی پارچه‌های یزدی بود. در یکی از اسناد باقی مانده در بورسا به معامله این کالا بین دو تاجر ارمنی به نام خضر بن دولت و ایود شاه بن سلیمان به ارزش ۲۰ هزار درهم اشاره شده است.^{۱۱۰}

در شمال شرق ایران، سمرقند از جمله مناطقی بود که کاروان‌ها به چین و ترکستان می‌رفتند. در دوره تیمور، شاهرخ و الغ بیگ این شهر از رونق زیادی برخوردار بود. در سال ۸۲۵ قمری، از سمرقند، جمعی از تجار برای گسترش مناسبات تجاری به همراه هیأت سیاسی به سرزمین ختای اعزام شدند.^{۱۱۱} از دوره شاهرخ، هرات که اهمیت تجاری بیشتری یافت، به مهم‌ترین مرکز تجاری

104. Inalcik, "Xv Asir sanayi ve ticaret tarihine deir vesikalar," p. 88.

105. Inalcik, *Bursa kadi sicilllerinden seçmeler*, Belgeler, p. 10.

106. Inalcik, "Xv Asir sanayi ve ticaret tarihine deir vesikalar," p. 88.

107. Halil Inalcik, *ottoman empire, conquest, organization and economy 1300-1600* (London: variourum reprints, 1973), p. 112.

108. Metin Eriş, *osmanli devletinde iktisadi anlayışın varlığı üzerine*, c1 (yeni Turkye: 2004), p. 45-88.

109. Halil Inalcik, *The ottoman state: Economy and society 1300-1600* (London: variourum reprints, 1986), p. 238.

110. Inalcik, *Bursa kadi sicilllerinden seçmeler*, Belgeler, p49

آسیای مرکزی تبدیل شد.^{۱۱۲} تجار از راه‌های دریایی و خشکی کالاهای تجاری را از هرات به اطراف عالم می‌برند.

نتیجه‌گیری

توجه به رونق تجارت و عواید حاصل از آن در دوره تیمور همانند دوره ایلخانان، پیامدهای تجاری و اقتصادی مطلوبی را برای شهرهای ایران و مناطق روستایی به بار آورد، زیرا افزایش صادرات محصولات تولیدی نظیر ابریشم و پنبه، موجب افزایش تولیدات کشاورزی و فزونی درآمد کشاورزان شد. همچنین رونق تجاری شهرها موجب گسترش فعالیت پیشه‌وران و تجار شهری چه در بخش تولید و چه در بخش بازرگانی گردید، که نتیجه آن افزایش درآمد این گروه‌های شهرنشین بود. در کنار آن کارگران، باربران، کاروان‌سالاران که امتعه و کالاهای تجار را بین شهرها و یا به خارج از کشور حمل می‌کردند، فعالیت بیشتری یافتند. مجموعه این فعالیت‌ها، تسکینی بود برای جبران ویرانی‌ها و کشتارهایی که تیمور در طی لشکرکشی‌های خود به بار آورد. یکی از نتایج مثبت حاکمیت تیمور و جانشینانش در ایران، همین مسأله بوده است. البته تیمور با سیاست‌های تجاری خود در پی افزایش درآمدهای حاصل از تجارت برای حکومت خویش بود. در کنار آن، این سیاست‌ها برای جامعه ایرانی نیز ثمرات مفیدی به بار آورد. در تعقیب و ادامه سیاست‌های تجاری تیموریان در دوره آق‌قویونلوها و صفویان، شاهد رونق هرچه بیشتر تجارت خارجی و شکوفایی شهرهایی نظیر تبریز و اصفهان هستیم.

کتابنامه

- آشتیانی اقبال، عباس. تاریخ مغول. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن یوسف. النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و قاهره. ج ۱۴. قم: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۳.
- ابن عربشاه، احمد بن محمد. عجایب المقدور نوائب تیمور یا زندگی شگفت آور تیمور. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹.
- باربارو و دیگران. سفرنامه ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹.
- بارتولد، ولادیمیر. تذکره جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور. تهران: چاپخانه اتحادیه، ۱۳۸۰.
- بوات، لوسین. تاریخ تیموریان. ترجمه محمود بهفرزی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.

تاجبخش، حسن. «ابریشم ایران». مجله فرهنگ. ش ۲۰ و ۲۱. زمستان ۱۳۷۵ و بهار ۱۳۷۶. پتروشفسکی، ای. پ. ایران در سده‌های میانه. ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی. تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۹.

پیکولوسکیا، ن و دیگران. تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام، ۱۳۵۴.

جوادی، حسن. ایران از دیده گاه سیاحان اروپائی از قدیم ترین ایام تا اوایل دوره صفویه. تهران: نشر بوته، ۱۳۷۸.

_____ . «ایران از دید سیاحان اروپایی در دوره ایلخانان». بررسی‌های تاریخی. ش ۵. س ۷. ۱۳۵۲. حافظ ابرو (شهاب الدین عبدالله خوافی). جغرافیای حافظ ابرو. ج ۲. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹. _____ . زبده التواریخ. با مقدمه و تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

حسینی تربتی، ابوطالب. تزوکات تیموری. تهران: کتاب فروشی اسدی، ۱۳۴۲. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. تاریخ حبیب السیر. با مقدمه جلال الدین همائی. تهران: انتشارات خیام، ۱۳۸۰.

دیانت، ابوالحسن. فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها. تبریز: نشر نیما، ۱۳۶۷. رضوی، سید ابوالفضل. «راه‌های تجاری در عهد ایلخانان». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ش ۱۳۷. مهر ۱۳۸۸. ربیعی، امیر تیمور. «سیری در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیموری» مجله تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی. ش ۲. پائیز ۱۳۸۶.

شامی، نظام الدین. ظفرنامه. تهران: انتشارات بامداد، ۱۳۶۳. عبدالرزاق سمرقندی، کمال الدین. مطلع سعدین و مجمع بحرین. به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.

فراگنز، برت. «تاریخ اجتماعی و اقتصادی داخلی». تاریخ ایران دوره تیموریان پژوهش از دانشگاه کمبریج. به کوشش ه. ر. رویمر. ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹. ص ۲۵۴-۲۵۵. فضل الله همدانی، رشید الدین. تاریخ مبارک غازانی. به تصحیح کارل بان. هرتفرد: استفن اوستین، ۱۳۵۸/ق ۱۹۴۰م.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. آثارالبلاد و اخبارالعباد. ترجمه و اضافات جهانگیر میرزا قاجار. به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۳.

قزوینی، میرزا محمد خان بن عبدالوهاب. بیست مقاله قزوینی. تهران: کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۲. کاتب یزدی، احمد بن حسین. تاریخ جدید یزد. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶. کلاویخو، گونزالز. سفرنامه کلاویخو. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۴. لمب، هارولد. تیمور لنگ. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: نشر مهرداد، ۱۳۸۸.

لسترنج، گای. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ۱۳۳۷.

مارکوپولو. سفرنامه. ترجمه سید منصور سجادی. تهران: نشر گویش، ۱۳۶۳.

مرعشی، سید ظهیرالدین. تاریخ طبرستان، رویان و مازندران. به تصحیح محمد حسین تسبیحی. تهران: نشر گستره، ۱۳۶۳.

_____ . تاریخ گیلان و دیلمستان. به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.

مستوفی قزوینی، حمدالله. نزهة القلوب. به اهتمام محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶.
مقریزی، تقی الدین ابی العباس احمد بن عبدالقادر العبیدی مقریزی. السلوک لمعرفة دول الملوک. بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.

منز، بناتریس فوربز. قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری. ترجمه جواد عباسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۰.

نطنزی، معین الدین. منتخب التواریخ معینی. به تصحیح پروین استخری. تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۳.
نوائی، عبدالحسین. اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵.

وارتما، لودویگوری. «بخش ایران از سفرنامه وارتما». ترجمه و مقدمه و یادداشت‌های تاریخی محسن جعفری مذهب. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. س ۲۸. آبان و آذر ۱۳۷۹.
واعظ کاشفی، مولانا فخرالدین علی بن حسین. رشحات عین الحیات. ج ۱. با مقدمه و تصحیح اصغر معینیان. تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۵.

هینتس، والتر. اوزان و مقیاسها در اسلام. ترجمه غلامرضا ورهرام. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.

یزدی، شرف الدین علی. ظفرنامه یزدی. به تصحیح عبدالحسین نوائی. تهران: مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

Atan, Turan. Türk gümrük tarihi. Cilt1. Ankara: Türk Tarih kurumu, 1990.

Inalılık, Halil. Bursa" xv Asır sanayi ve Ticaret Tarihine deir vesikalar." Belleten. 24, Ankara:Türk Tarih Kurumu, 1995.

_____ . "Bursa Kadi sicililerinden seçmeler." BELGELER. cX. sayı 14. Ankara: Türk Tarih kurumu, 1981.

_____ . *The Ottoman Empire Conquest, Organization and economy 1300-1600.* london:variourum reprints,1973.

_____ . *The ottoman Empire: The classical age 1300-1600.* Translated by Norman Itzkowitz and Colin İmber. London: The trinity press Worcester, 1973.

_____ . *The ottoman state: Economy and society 1300-1600,* London: variourum

reprints,1986.

Eriş, Metin. *Osmanlı Devletinde İktisadi Anlayışın varlığı üzerine*. c1. Yeni Turkye: 2004.

Tafur, pero. *Travels and Adventure1435-1439*. Translated and Edited with and Introduction by Malcolm Letts. Gorgias press, 2007.

Pamuk, Bilgehan. tarih Incelemeleri Dergisi. C XXII. S 2. Erzurum: 2007.

Schiltberger, Johann. *Bondage and Travels*. London: Hakluyt Society, 1879.

Zachariadou, Elizabeth. *trade and crusade. Venetian crate and emirates of Mentesh and Aydin 1300-1415*. Venice: library of the Hellenic Institute , 1983.

